Vol. 11 | No. 3254 | Sun. Feb 8. 2026 | یکشنبه ۱۹ بهمن ۱۴۰۴ | ۱۹ شعبان ۱۴۴۷ | سال دوازدهم | شماره ۳۲۵۴ | ۸ صفحه | قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

WWW.TAADOLNEWSPAPER.IR

تعادل

نیاز اقتصاد ایران

دلار	یورو	تمام‌سکه	شاخص بورس
--	--	--	--

عراقچی وزیر خارجه
در مصاحبه با شبکه الجزیره:

درباره موشک‌هایمان مذاکره نمی‌کنیم

صفحه ۲

افزایش قیمت طلا و نقره
در بازار جهانی

قیمت‌ها در بازار داخلی کاهشی شد

صفحه ۲

ثمره اصلاحات دولت چه زمانی به بار می‌نشیند؟

دوران انتظار برای بهبود اقتصاد

اقتصاد ایران در ماه‌های اخیر در مقطعی ایستاده که بیش از هر چیز با «انتظار» تعریف می‌شود؛ انتظاری که پس از اجرای مجموعه‌ای از اصلاحات اقتصادی، به‌ویژه حذف ارز ترجیحی، در میان جامعه شکل گرفته و حالا به مطالبه‌ای عمومی برای مشاهده نشانه‌های بهبود نسبی در زندگی روزمره تبدیل شده است. حذف یکی از پرهزینه‌ترین و در عین حال پرچالش‌ترین سیاست‌های ارزی سال‌های گذشته، اگرچه با تبعات کوتاه‌مدت و فشارهای قابل توجه بر سطح قیمت‌ها همراه بود، اما از همان ابتدا با این وعده همراه شد که در میان‌مدت می‌تواند به شفاف‌تر شدن اقتصاد، کاهش رانت و هدفمندتر شدن حمایت‌های دولتی منجر شود...

صفحه ۲ را بخوانید

«تعادل» روند معاملات بورس‌های جهانی را بررسی می‌کند

رکوردشکنی وال استریت

۴

یادداشت-۱

مذاکرات و تداوم بازی فشار تهدید و مدیریت بحران

محسن جلیلوند

در حالی که از سرگیری مذاکرات ایران و امریکا پس از جنگ ۱۲ روزه، بار دیگر نگاه‌ها را به میز گفت‌وگو بازگردانده، برخی تحلیلگران معتقدند این مذاکرات بیش از آنکه مسیر روشنی به سوی توافق داشته باشد، حرکتی پرریسک روی صفحه‌ای ناپایدار است. صفحه‌ای که هر لحظه ممکن است با تصمیم واشنگتن یا تل‌آویو به هم بریزد. البته ایران هم برگ‌های برنده‌ای دارد که با استفاده از آنها طرف مقابل را مجاب به مذاکره و پذیرش احتمالی خواسته‌هایش کرده است. اما باید دید شاخص‌های این مذاکرات جدید چیست و چگونه قرار است از دل آن یک بازی برد-برد شکل بگیرد؟

متن مذاکرات جدید ایران و امریکا، بر اساس اعلام برخی کارشناسان، شباهت زیادی به «بازی روی گریل داغ» دارد. وضعیتی که در آن، حتی اگر یک طرف تلاش کند قواعد بازی را رعایت کند، طرف مقابل هر لحظه می‌تواند میز بازی را بر هم بزند. از این منظر، مذاکره با امریکا نه یک مسیر قابل اتکا، بلکه فرآیندی ناپایدار و پرابهام است که همواره باید احتمال فروپاشی آن را در نظر گرفت. به باور این دست از تحلیلگران، امریکا در مذاکرات، همزمان دو ابزار اصلی را روی میز نگه داشته است: ۱) مذاکره، ۲) تهدید که در قالب سیاست قدیمی چماق و هویج اجرایی می‌شود. از یک طرف ترامپ اعلام می‌کند مذاکرات خوب پیش رفته و با ایران می‌توان به یک توافق خوب دست پیدا کرد و از سوی دیگر، ادوات نظامی و ناوهایش را به منطقه گسیل می‌دارد تا پیام متفاوتی ارسال کند. باید توجه داشت که اگر واشنگتن به این جمع‌بندی برسد که امتیازات مورد نظرش از سوی ایران تامین نخواهد شد، گزینه خروج از مذاکرات و حتی ورود به تقابل نظامی کوتاه‌مدت همچنان روی میز خواهد بود. به همین دلیل، خوشبینی بیش از حد به نتیجه گفت‌وگوها، نادیده گرفتن ماهیت متغیر و پرریسک رفتار امریکا تلقی می‌شود. اما مساله مهم‌تر، غیبت یک بازیگر کلیدی در متن رسمی مذاکرات است. بازیگری که در عمل نقش تعیین‌کننده دارد: اسراییل. بدون در نظر گرفتن نقش مخرب تل‌آویو، تحلیل مذاکرات ایران و امریکا ناقص خواهد بود. این دیدگاه بر این اساس شکل گرفته که تصمیمات راهبردی واشنگتن در قبال ایران، به شدت تحت تاثیر خواسته‌ها و فشارهای اسراییل و شخص بنیامین نتانیاهو قرار دارد. از این زاویه، حتی اگر در سطح دیپلماتیک، پیام‌هایی از تمایل به کاهش تنش مخابره شود، تصمیم نهایی در بسیاری از مواقع خارج از اتاق مذاکره گرفته می‌شود. به همین دلیل است که شخصا، تلاش می‌کنم نگاه واقع‌بینانه‌ای به دورنمای مذاکرات داشته باشم و از خوشبینی‌های مقطعی پرهیز می‌کنم. در واقع همچنان چشم‌انداز روشنی برای حصول توافق پایدار مشاهده نمی‌شود. نباید فراموش کرد که در آخرین تجربه مذاکراتی ایران با امریکا، چه اتفاقی رخ داد و کدام طرف زیر میز بازی زد! ایران ممکن است اهداف متفاوتی را از ادامه مذاکرات دنبال کند، از «ارزیابی اراده واقعی امریکا» گرفته تا رسیدن به یک توافق حداقلی یا مدیریت فشارهای مقطعی. با این حال، از منظر طرف امریکایی، اصل ماجرا تغییری نکرده و ساختار فشار همچنان پابرجاست. در این چارچوب، مذاکرات بیشتر به ابزاری برای مدیریت بحران شباهت دارد تا مسیری برای حل وفصل ریشه‌ای اختلافات. در کنار مذاکرات، موضوع اعمال تحریم‌های جدید، به ویژه تعرفه‌های ۲۵ درصدی اخیر نیز مطرح است. در واقع امریکا اعلام کرده بر کشورهایی که با ایران تجارت داشته باشند، تعرفه‌های تجاری ۲۵ درصدی وضع می‌کند. تصمیمی که نه یک اقدام مستقل، بلکه بخشی از همان «چماق اقتصادی» امریکا محسوب می‌شود که کشورهای مستقل را هدف قرار داده است. واشنگتن همواره تحریم را به عنوان اهرم فشار در کنار گفت‌وگو به کار می‌گیرد تا طرف مقابل را میان «پذیرش یا نپذیرفتن» یک انتخاب سخت قرار دهد. سرعت اجرای این تحریم‌ها نشان می‌دهد که دستگاه‌های تصمیم‌ساز و سیاستگذار امریکا، از وزارت خزانه‌داری گرفته تا وزارت خارجه، از پیش آماده بوده‌اند. هر چند اعلام رسمی برخی از این تحریم‌ها در ماه‌های گذشته صورت گرفته، اما اجرای عملی آنها با فرمان‌های اجرایی جدید وارد فاز جدی‌تری شده است. در واقع ترامپ دیروز دست به اقدام تازه‌ای نزده، بلکه تصمیم قبلی‌اش در خصوص تعرفه‌های ۲۵ درصدی را اجرایی کرده است. با این حال، تاثیر واقعی این تحریم‌ها بر اقتصاد ایران، دست‌کم در کوتاه‌مدت، محدود است، چرا که سطح مبادلات رسمی ایران با امریکا و بسیاری از شرکای غربی، پیشاپیش به حداقل رسیده است.

ادامه در صفحه ۳

ارز تک‌نرخی از نگاه بخش خصوصی

از ۴۲۰۰ تا ۲۸۵۰۰ سقوط یک سیاست رانتی

در حالی که دولت در مسیر یکسان‌سازی نرخ ارز و حذف تدریجی ارز ترجیحی گام برداشته است، بررسی‌های ارائه شده در بخش خصوصی نشان می‌دهد این سیاست، اگرچه در بلندمدت با هدف اصلاح ساختار اقتصادی دنبال می‌شود، اما در کوتاه‌مدت آثار گسترده‌ای بر معیشت خانوارها، زنجیره تولید، تجارت و بازار کالاهای اساسی برجای می‌گذارد. پژوهش ارائه شده در شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی...

صفحه ۷ را بخوانید

بازار مسکن
در محاصره نوسانات ارزی

رویای خانه‌دار شدن هر روز دورتر

بازار مسکن در حالی وارد سال جدید می‌شود که آمارها از تثبیت نسبی تورم، اما تداوم فشار هزینه‌ای بر خانوارها حکایت دارد؛ بازاری که نه توان جهش قیمتی گذشته را دارد و نه ظرفیت پاسخ‌گویی به تقاضای مصرفی را. نوسانات شدید ارز و طلا، کاهش قدرت خرید، رشد هزینه‌های ساخت و عقب‌نشینی سازندگان، مجموعه‌ای از عوامل را شکل داده که نتیجه آن، حذف خانه‌اولی‌ها و دورتر شدن رویای خانه‌دار شدن برای مستأجران...

صفحه ۵ را بخوانید

یادداشت-۲

تعرفه ۲۵ درصدی ترامپ و تحولات اقتصاد جهانی

بهمن اکبری

روز گذشته بود که خبر رسید دستور رییس‌جمهور امریکا در خصوص اعمال تعرفه‌های ۲۵ درصدی کشورهایی که اقدام به تجارت و بده‌بستان اقتصادی با ایران کنند، اجرایی شده است. همزمان با اجرایی شدن این فرمان برخی افراد و جریانات اعلام کردند ترامپ دوباره در بطن مذاکرات، پالس‌های تنش و تنازع ارسال کرده است. هر چند امریکا همواره سیاست چماق و هویج را در بطن مذاکرات دنبال می‌کند، اما واقع آن است که این دستورالعمل قبلا صادر شده بود و روز شنبه به مرحله اجرایی شدن رسیده است. اما اتخاذ چنین رویکردهایی از سوی ایالات متحده در مواجهه با کشورهایی چون ایران، چین، روسیه و... به چه معناست؟ تحولات اخیر در اقتصاد جهانی، از جمله جنگ‌های تجاری، تغییرات در اتحادهای استراتژیک و اظهارات سیاستمداران برجسته (مانند وزیر خارجه اسبق ایران، دکتر ظریف) نشان‌دهنده پایان دوران وفاداری‌های ثابت در نظام بین‌الملل است. این یادداشت مقاله با تمرکز بر نقش چین و ایالات متحده به عنوان دو قطب اصلی قدرت اقتصادی، به تحلیل روندهای آینده اقتصاد جهانی با استفاده از چارچوب‌های آینده‌پژوهی می‌پردازد. استدلال اصلی مقاله این است که جهان در حال گذار به سمت یک نظام چندقطبی پیچیده است که در آن همکاری‌ها و رقابت‌ها به صورت پویا و مبتنی بر منافع ملی متغیر شکل می‌گیرند. با بررسی مواردی مانند تحریم‌های امریکا علیه ایران، رقابت‌های تجاری با چین و تغییر مواضع کشورهایی مانند هند و روسیه، این مقاله نشان می‌دهد که اقتصاد آینده جهان تحت تاثیر عواملی مانند امنیت انرژی، دیپلماسی تجاری و ظهور بازیگران غیردولتی خواهد بود.

نظام اقتصاد جهانی در دهه‌های اخیر شاهد تحولاتی بس عمیق بوده است. «جهانی‌سازی اقتصادی» که پس از جنگ سرد شتاب گرفت، اکنون با چالش‌هایی مانند «ظهور ملی‌گرایی اقتصادی»، «جنگ‌های تعرفه‌ای و تجاری» و «تغییر در اتحادهای استراتژیک» مواجه شده است. اظهارات دکتر محمدجواد ظریف، وزیر خارجه اسبق ایران، مبنی بر پایان دوران وفاداری در نظام جهانی، نمادی است از این تحولات. در این راستا، نقش قدرت‌های بزرگی مانند چین و ایالات متحده به عنوان بازیگران اصلی در شکل‌دهی به آینده اقتصاد جهانی حایز اهمیت است. این یادداشت مقاله با نگاهی آینده‌پژوهانه به تحلیل نقش این دو قدرت و تاثیر آنها بر روندهای اقتصاد جهانی می‌پردازد.

۱. آینده‌پژوهی در اقتصاد جهانی: آینده‌پژوهی به عنوان یک رشته علمی، با استفاده از روش‌هایی مانند سناریوسازی، تحلیل روندها و شناسایی پیشران‌ها به بررسی احتمالات آینده می‌پردازد. در اقتصاد جهانی، آینده‌پژوهی می‌تواند به درک بهتر تحولات ساختاری مانند انتقال قدرت اقتصادی از غرب به شرق، تاثیر فناوری‌های نوین و تغییر در الگوهای تجاری کمک کند. در این مقاله، از چارچوب آینده‌پژوهی برای تحلیل نقش چین و امریکا استفاده شده است. در این مدل پیش‌بینی می‌شود که امریکا با استفاده از رویکردهای تهاجمی چه دورنمایی را در اقتصاد و نظام سیاسی بین‌المللی کسب می‌کند.

۲. نقش ایالات متحده از هژمونی به رویکرد تهاجمی یکجانبه: ایالات متحده در دوره ریاست‌جمهوری دونالد ترامپ شاهد تغییرات چشمگیری در سیاست خارجی و تجاری بود. رویکردهایی مانند اعمال تعرفه‌های یکجانبه علیه چین و متحدان اروپایی، همچنین تهدید به اعمال تعرفه ۲۵ درصدی کشورهای تجارت‌کننده با ایران و تلاش برای بازتعریف توافق‌های تجاری (مانند توافق با هند) نشان‌دهنده گذار از هژمونی مبتنی بر همکاری به سمت «یکجانبه‌گرایی تهاجمی» است. واقع آن است که تحریم‌های امریکا علیه ایران با هدف محدودسازی صادرات نفت کشورمان، نه تنها بر بازار انرژی جهانی تاثیر گذاشته، بلکه باعث ایجاد اتحادهای جدیدی مانند افزایش خرید نفت ایران توسط چین شده است. این امر نشان می‌دهد که تحریم‌ها ممکن است به جای منزوی کردن هدف، به ایجاد «شبکه‌های تجاری موازی» منجر شود. از سوی دیگر، جنگ تجاری امریکا و چین به عنوان یکی از مهم‌ترین تحولات اقتصاد جهانی، باعث تغییر در زنجیره‌های تامین جهانی و افزایش تلاش‌ها برای خودکفایی اقتصادی شده است. هشدارهای ترامپ به متحدان غربی درباره نزدیکی به چین، نشان‌دهنده عمق این رقابت است.

۳. نقش چین از رشد اقتصادی به سمت تاثیرگذاری جهانی: چین به عنوان دومین اقتصاد بزرگ جهان، با استفاده از ابزارهایی مانند ابتکار «کمربند و راه» و دیپلماسی تجاری فعال، در حال گسترش نفوذ خود در اقتصاد جهانی است.

ادامه در صفحه ۳

یادداشت-۴

چشم‌انداز تجارت با روسیه

هادی تیزهوش تابان

تعاملات اقتصادی میان ایران و روسیه طی سال‌های اخیر به ویژه پس از تشدید تحریم‌های غرب علیه هر دو کشور، رشد قابل توجهی یافته است. ایران برای مقابله با تحریم‌های غیرقانونی و ناعادلانه امریکا اقداماتی را در سال‌های اخیر انجام داده است که از جمله آنها می‌توان به عضویت در گروه‌ها و سازمان‌هایی چون بریکس، سازمان همکاری‌های شانگهای و اتحادیه اوراسیا اشاره کرد. ضمن اینکه روسیه نیز همانند ایران از معدود کشورهایی است که در هر سه مورد این نهادها عضو است و مانند ایران با تحریم مواجه است. بر این اساس، مبادلات هر چه بیشتر اقتصادی در کنار همکاری‌های سیاسی، می‌تواند در راستای مقابله هر دو کشور با تحریم‌های غیرقانونی غرب موثر باشد.

با این حال، شفافیت یکی از مسائل محوری است که باید در روابط دو کشور بیش از پیش مورد توجه قرار بگیرد. افزایش حجم مبادلات، بدون زیرساخت‌های شفاف، مشکلاتی را در اجرای فرآیندهای تجاری، اعتماد متقابل و نیز جذب سرمایه ایجاد می‌کند. در نتیجه در کنار افزایش حجم تجارت، شفافیت در فرآیند توسعه روابط اقتصادی هم ضروری است. تجارت دو کشور از حوزه زیرساخت‌های انرژی، حمل و نقل و کالاهای اساسی تا همکاری‌های بانکی و سرمایه‌گذاری صنعتی را شامل می‌شود، بر این اساس، بالا رفتن حجم تجارت، نیازمند یک سامانه نظارتی دقیق و داده‌های شفاف است تا از رانت‌جویی و حرکت به سوی اقتصاد ناکارآمد جلوگیری شود.

اغلب شاهد اختلاف میان گزارش‌ها، تاخیر در انتشار یا عدم شفافیت در جزییات آمار تجارت و سرمایه‌گذاری میان ایران و روسیه هستیم. مشکلات نظام بانکی هم مساله دیگری است که فعالان اقتصادی با آن مواجه هستند. اگرچه ما ریال و روبل را با هم مبادله می‌کنیم و این امکان بسیار خوبی است، چون مشکلات مبادله با دلار را نداریم، ولی با برخی مشکلات داخلی مواجه هستیم که مهم‌ترین آن کاهش بیش از ۲۵ درصدی ارزش پول در مرحله تبدیل روبل به ریال در سامانه‌های سنا و نیما است که امیدواریم بانک مرکزی این مشکل اساسی را حل کند. ما باید پایگاهی را در زمینه سرمایه‌گذاری ایجاد کنیم. راه‌اندازی یک سایت دو زبانه که همه فعالان اقتصادی امکان دسترسی به اطلاعات آن را داشته باشند و راهنمایی‌های مبسوط و ویژه ارایه دهد، می‌تواند بسیاری از مشکلات بازرگانان را حل کند و مبادله کالا سریع‌تر و بهتر انجام شود. تحریم شبکه‌های پیام‌رسان مالی، از جمله سوییفت، از مهم‌ترین و موثرترین بخش‌های تحریم‌ها است که در سال‌های اخیر علیه کشورهای متعددی از جمله ایران وضع و اجرا شده است. بر این اساس، ایجاد شبکه جایگزین سوییفت می‌تواند راهگشا باشد. همچنین با راه‌اندازی بانک‌های توسعه مشترک در دو کشور می‌توان کارها را راحت‌تر پیش برد.

یادداشت-۳

بازار سرمایه در آستانه تصمیم‌های سیاسی

علی فراقی

در روزهایی که فضای اقتصاد کشور بار دیگر زیر سایه اخبار مربوط به نشست‌ها و تصمیم‌گیری‌های دیپلماتیک قرار گرفته، بازار سرمایه کشور در وضعیتی از سردرگمی و انتظار به سر می‌برد. این وضعیت یادآور مقاطع پیشین است که هر بار با تعویق یا ابهام در روند مذاکرات، بازارها دچار رکود موقت یا رفتارهای نوسانی شدند. پس از آخرین نشست سیاسی که نتیجه نهایی آن به دور بعدی موکول شد، سرمایه‌گذاران و سهامداران در بازار بورس ترجیح داده‌اند دست به تصمیمات هیجانی نزنند. این احتیاط از یک سو ناشی از عدم قطعیت در آینده مذاکرات است و از سوی دیگر از تجربه‌ای می‌آید که فعالان بازار طی ماه‌های گذشته آموخته‌اند، هر تصمیم سیاسی می‌تواند ارز، طلا و در نهایت شاخص‌های بازار سرمایه را در مسیری غیرقابل پیش‌بینی قرار دهد. در چنین شرایطی، بازار به نوعی وارد فاز «توقف تصمیم» می‌شود. شاخص کل بورس در روزهای اخیر رفتار نسبتا باثباتی داشته، اما این ثبات بیشتر به دلیل کاهش حجم معاملات و انتظار جمعی است تا نشانه‌ای از اطمینان سرمایه‌گذاران. به بیان دیگر، بازار در حال تنفس است؛ نه آنچنان صعودی که از خوشبینی بگوید و نه به اندازه‌ای منفی که نگران‌کننده باشد. تجربه نشان داده است که اخبار ضدونقیض از فضای سیاسی و رسانه‌ای بیشترین تاثیر را در چنین مقاطعی دارند. گاهی تایید و تکذیب پی‌درپی اظهارنظرها از سوی مقامات داخلی یا خارجی، باعث نوسان‌های لحظه‌ای در بازار می‌شود؛ نوسانی که گرچه در نمودارها قابل مشاهده است، اما عملا بازار را از مسیر تحلیل بنیادی و واقعی خود دور می‌کند.

احتمال نوسانات سینوسی در هفته پیش‌رو به نظر می‌رسد هفته آینده نیز با همین الگو پیش رود. بر اساس تقویم جلسات کاری و گمانه‌زنی‌های رسانه‌ای، تا پیش از تعیین زمان دقیق ادامه مذاکرات، بازار در وضعیت تعلیق خواهد ماند.

داده‌های رفتاری معامله‌گران نشان می‌دهد که بیشتر فعالان ترجیح داده‌اند تا پیش از مشخص شدن نتیجه نشست‌های بعدی، از معاملات پرریسک خودداری کنند. در نتیجه احتمال دارد بورس تهران در محدوده‌های قیمتی ثابت نوسان کند و تنها تحت تاثیر خبرهای تایید یا تکذیب شده، جهش‌های کوتاه‌مدت داشته باشد. با مرور رویدادهای مشابه در گذشته می‌توان دید که هر بار فاصله میان دو نشست مهم، نوعی رفتار سینوسی بازار را رقم زده است؛ صعودهای آرام در پی امید به توافق و اصلاح‌های ناگهانی پس از انتشار خبرهای منفی یا تعویق جلسات.

در دوره پیشین مذاکرات، حتی پیش از رسیدن به جمع‌بندی نهایی، وقوع درگیری نظامی کوتاه‌مدت شرایط بازار را به کلی بر هم زد. پس از ۱۲ روز تنش، شاخص‌های بورس با سقوطی جدی روبه‌رو شدند و تنها پس از چند هفته اصلاح، توانستند تا حدودی به مسیر رشد بازگردند. همین تجربه، امروز در ذهن فعالان باقی مانده و باعث شده بسیاری از آنها مسیر احتیاط را در پیش بگیرند. با توجه به این سابقه، بعید نیست اگر در روزهای آینده همزمان با اظهارنظرهای دیپلماتیک یا تغییر در فضای رسانه‌ای، بازار نوساناتی تحت تاثیر هیجانات تجربه کند؛ اما احتمال جهش یا سقوط شدید، فعلا پایین ارزیابی می‌شود.

سامانه پیامکی روزنامه تعادل

به شماره ۳۰۰۰۵۳۲۰ در دسترس شماست

مخاطبان عزیز می‌توانند نظرها، انتقادات و پیشنهادهای خود در مورد مطالب مختلف روزنامه را با ذکر جزئیات به این سامانه پیامک نمایند.